

مروری بر نظام حقوقی دریای خزر از دریچهٔ اسناد و معاهدات

◆ نادعلی صادقیان*

vakechalsadeghian@yahoo.com

چکیده

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش نفت در دریای خزر و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته در حاشیهٔ آن، کشورهای نوخاسته، خواهان مشخص شدن وضعیت مالکیت و تعیین حدود خود برای استخراج منابع بستر و زیر بستر دریای خزر به طور مستقل گردیده‌اند. مبنای حقوقی دریای خزر به دنبال پدید آمدن سه کشور دیگر در حاشیهٔ آن در چند سال اخیر، به عنوان منطقه‌ای حیاتی و اقتصادی و یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی جهان، باعث بروز اختلافات و رقابتهای مهم منطقه‌ای و کانون توجه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده است و کشورهای ساحلی دریای خزر، هر کدام نظرات خاصی در مورد نظام حقوقی این دریا ارائه می‌دهند. اما در حال حاضر، بر مبنای حقوق بین‌الملل، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ م.، حاکم بر وضعیت حقوقی دریای خزر می‌باشد.

در این مقاله، به منظور آشنائی با نظام حقوقی حاکم بر این دریا، ابتدا به پیشینهٔ تاریخی روابط ایران و روسیه پرداخته می‌شود و بعد موقعیتهای و اهمیت دریای خزر، نظام حقوقی حاکم بر آن و حاکم بر دریاهاى بسته در حقوق بین‌الملل بررسی شده و به دنبال آن، نظام حقوقی خزر، قبل از فروپاشی شوروی و پس از آن و نیز نظام حقوقی پیشنهادی برای دریای خزر در شرایط فعلی، ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها:

وضعیت حقوقی دریای خزر، ایران، اتحاد جماهیر شوروی، عهدنامه‌ها.

* * *

* کارشناس ارشد حقوق عمومی.

مقدمه

دریای خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان و سومین منبع ذخایر نفت و گاز دنیاست و همین امر، بر اهمیت جغرافیای سیاسی آن افزوده و آن را صحنه فعالیت‌های دیپلماتیک و اقتصادی بیش‌تری قرار داده و افزون بر آن، دارای وضعیت ویژه و طبیعی غنی می‌باشد. این دریا، همواره منبع تجارت دریائی برای افرادی بوده که در ساحل آن می‌زیسته‌اند، و نیز گلوگاهی حیاتی و سرشار از ثروت‌های خدادادی است. به همین خاطر، همواره توجه کشورها را به خود معطوف کرده و دستخوش رقابتها، تهدیدها و درگیریها و نیز مورد توجه فراوان قدرتهای استعمارگر بوده است و هریک از ابرقدرتها، کوشیده‌اند از این ثروت خدادادی سهم بیش‌تری قبضه کنند و وضعیت حقوقی یکی از بزرگ‌ترین ذخیره‌های نفتی جهان را همواره مبهم و نامعلوم جلوه دهند و منطقه را در گیرودار اختلافات، مقابله‌ها، تهدیدها و توطئه‌ها قرار دهند. در این میان عملکرد دولت ایران در مسائل این دریا همواره با خوشبینی، مدارا، حسن‌نیت، نرمش و انعطاف‌پذیری، توجه به استقلال و تمامیت ارضی دیگر دولتهای نوحاسته و حفظ اصول انصاف و عدالت به همراه بوده است؛ ولی سایرکشورهای همجوار، هنوز زمینه برخورد عادلانه و منصفانه را به دست نیاورده‌اند و در پی ادعاهای بیش‌تری از حقوق و اعمال حاکمیت در این دریا می‌باشند.

در حال حاضر، باتوجه به همسایگان متعدد ایران - که هر کدام در وضعیت ویژه‌ای قرار دارند و بعضی از آنها با تغییرات مکرر حاکمیتی روبرو بوده‌اند - مسئله استفاده از اصل حفظ و حراست از مرزها و تمامیت ارضی و استقلال کشور با تقسیم دریای خزر براساس اصل انصاف و توجه به وضعیت ویژه آن، ضرورت خاصی یافته است. در این راستا، ضمن حفظ اصول انصاف و عدالت، تکیه بر قواعد و موازین مورد قبول سایرکشورهای ساحلی، به

عنوان تنها تکیه‌گاه امن به شمار می‌رود.

باید توجه داشت که هرگونه مسامحه و اعطای امتیازات یکطرفه در این منطقه، تبعات امنیتی، سیاسی و حاکمیتی بر دیگر نقاط مرزی ایران خواهد داشت. در سالهای اخیر، منطقه دریای خزر از نظر راهبردی، به یکی از مهم‌ترین نقاط جهان تبدیل گردیده و همین امر، منطقه را به صورت کانون توجه قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درآورده است.

درباره مبنای ماهیت حقوقی دریای خزر، ایران و اتحاد جماهیر شوروی، نقش عمده‌ای در ایجاد اصول حاکم بر استفاده از دریا ایفا کرده‌اند. اگرچه برخی از رویه‌های عرفی برای استفاده از دریا وجود داشته است، ولی اساس اصول حقوقی حاکم بر دریا، از موافقتنامه‌های منعقد کرده این دو دولت ناشی شده بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م. / ۱۳۷۰ش. و پدیدار شدن دولتهای دیگر در حاشیه دریای خزر، مسئله بررسی مجدد وضعیت حقوقی دریای خزر را ضروری ساخت. هرچند وضعیت حقوقی دریا در توافقنامه‌های ایران و اتحاد جماهیر شوروی معین شده است، ولی برخی از مفاد این توافقها را دولتهای نوظهور ساحلی نپذیرفته‌اند.

با تعیین قواعد، موازین و قوانین حقوقی برای دریای خزر و همکاری و مشارکت فعال کشورهای ساحلی دریای خزر با یکدیگر، این دریا، در آینده نزدیک به نحو چشمگیری، در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت خام، در بازارهای انرژی جهانی مطرح خواهد شد و براساس این موازین، کشورهای ساحلی خواهند توانست برای اعمال حاکمیت و حفظ نظم نسبی و منافع خود در دریای خزر، به این قراردادها تکیه کنند.

پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه

در حدود چهارصد سال پیش، در روسیه نه حکومت

مستقلی وجود داشت و نه دولتی به نام روسیه تا ایران بتواند به شکل رسمی با آن رابطه برقرار کند. تا اینکه ایوان چهارم، روسیه را تصرف کرد و لقب تزار را برای خود برگزید^۱ و زمینه ایجاد روابط ایران و روسیه آماده شد و شاه طهماسب نیز از هیئت اعزامی او به گرمی استقبال کرد و دستور داد تا این هیئت آزادانه و بدون پرداخت هزینه گمرکی، در تمام نقاط ایران به تجارت مشغول شوند.^۲ مورخان، آغاز روابط رسمی ایران و روسیه را، همین دیدار می‌خوانند که در سال ۱۵۶۸م. / ۹۷۶ق. اتفاق افتاد.^۳ با سپری شدن ایام حکومت شاهان پر قدرت صفوی و حیرانی و درماندگی شاه سلطان حسین در مقابل حملات افغانها، آهنگ تجاوز روسها به خاک ایران آغاز شد؛^۴ و بخش وسیعی از مناطق شمالی ایران، طی عهدنامه سال ۱۷۲۳م. / ۱۱۳۶ق. بین شاه طهماسب دوم و تزار روس، به روسیه واگذار شد.^۵ در پی شکستهای پی‌درپی شاه طهماسب دوم و اشغال ایالات شمالی کشور، نادر، با برکنار کردن شاه، قدرت را رسماً به دست گرفت و تمامی شهرها و مناطق از دست رفته را، یکی پس از دیگری به ایران بازگرداند.^۶

پس از کشته شدن نادر شاه، روسیه، دوباره سیاستهای توسعه‌طلبانه خود را دنبال کرد و مناطق گرجستان و تفلیس را به تصرف درآورد.

سیاستهای استعماری روسیه در دوره قاجار ادامه یافت؛ تا اینکه با انعقاد معاهده‌ای به نام گلستان، مرحله اول جنگهای ایران و روسیه پایان پذیرفت. دولت روسیه نیز چون در آن زمان سخت‌گرفتار درگیری و کشمکش با ناپلئون بناپارت بود، از رسیدن سفیر ایران بسیار خوشحال شد و از تقاضای صلح به گرمی استقبال کرد. قرارداد صلح، در قریه گلستان از محال قره‌باغ منعقد شد. این عهدنامه، به وساطت و شفاعت سرگور اوزلی، نماینده روس ردیشخوف، در مقام فرماندهی نیروهای گرجستان

و نماینده تهران، میرزا ابوالحسن خان ایلچی، به تاریخ ۹۲ شوال ۱۲۲۸ق. / ۲۵ اکتبر ۱۸۱۳م. در یازده فصل و یک مقدمه امضا شد.

عهدنامه گلستان، یکی از شوم‌ترین و ننگین‌ترین معاهداتی است که در تاریخ ایران به امضا رسیده است. این عهدنامه، روسها را که در بدترین شرایط جنگی با فرانسه بودند، نه تنها از گرفتاریهای ایران آسوده کرد، بلکه سرزمینهای دیگری هم به متصرفات آنها افزود.^۷ عهدنامه گلستان، طی اولین بار، به طور رسمی مرزهای طبیعی ایران را تغییر داد و بسیاری از نواحی شمال رود ارس را از دست ایران خارج کرد.^۸ از جمله مناطقی که از ایران جدا شد و به روسیه تعلق گرفت، عبارتند از: محال قره‌باغ، گنجه، شکلی، شیروان، قبه، دربند، بادکوبه (باکو)، بخشهایی از ولایات تالش، و تمامی داغستان و گرجستان.^۹

چندین سال پس از انعقاد عهدنامه گلستان، شاه و درباریان بشدت ناراضی از روسها، با حمایت انگلیسیها و تکیه بر احساسات مردم برآشفته از ستم روسها بر مسلمانان مناطق اشغالی و با توجه به صدور فتوهای جهاد مراجع وقت^{۱۰} و تصمیم‌گیری بر پایه عواطف به دور از تدبیر و برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌نگر، وقوع دور دوم جنگهای ایران و روس را سبب شدند که باز هم با شکست سنگین ایران، به انعقاد عهدنامه ترکمانچای در سال ۱۸۲۸م. / ۱۲۴۳ق. انجامید،^{۱۱} و براساس آن، بخشهای دیگری از خاک ایران جدا گردید.^{۱۲} روسیه با این معاهده، به اهداف سیاسی خود در ایران جامعه عمل پوشاند^{۱۳} و نظام کاپیتولاسیون را رسماً بر ایران تحمیل کرد.^{۱۴}

در پی این قرارداد، استیلای چند هزار ساله ایرانیان بر این دریا نیز لغوگردید و ایران از حق کشتیرانی در آن محروم شد.^{۱۵} پس از پیروزی انقلاب اکتبر و استقرار نظام کمونیستی و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، آن کشور جهت جلب نظر همسایگان و پیشگیری از حمایت آنها از مخالفان انقلاب،

تغییراتی جزئی در قراردادهای سابق اعمال کرد که از آن جمله، انعقاد عهدنامه مودت و دوستی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. / ۷ اسفند ۱۲۹۹ ش. بود.^{۱۶} از همین تاریخ معاهده ترکمانچای از درجه اعتبار ساقط شد و قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله باطل گردید.^{۱۷} براساس این عهدنامه، انحصار کشتیرانی - که در قراردادهای گلستان و ترکمانچای به روسیه واگذار شده بود - لغو گردید^{۱۸} اما موضوع الحاق مناطق واگذار شده ایران به روسیه به قوت خود باقی ماند، ولی بقیه امتیازات از جمله بدهیهای ایران به دولت روسیه و حق کاپیتولاسیون فسخ شد.^{۱۹}

همچنین در معاهده بازرگانی و دریانوردی هم - که در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ م. / ۵ فروردین ۱۳۱۹ ش. به امضای دو طرف رسید^{۲۰} - استفاده مشترک و برابر دو دولت ایران و شوروی (و نه هیچ دولت دیگر) از دریا، مورد تأکید قرار گرفت و حتی در این معاهده، از دریای مازندران به عنوان «دریای ایران و شوروی» نام برده شد.^{۲۱} ماده دوازدهم قرارداد ۱۹۴۰ م.، همچنین ناظر بر حق اختصاصی ماهیگیری در محدوده ده مایلی آبهای ساحل است و بهره‌برداری از بقیه آبها به نسبت مساوی در بین دو کشور به صورت مشاع تقسیم شده است.^{۲۲} در واقع، این آخرین قرارداد میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی درباره دریای خزر و معیار اصلی و نهائی برای تعیین رژیم حقوقی این دریا می‌باشد.

موقعیتها و اهمیت دریای خزر

دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان^{۲۳} و سومین منبع ذخایر نفت و گاز دنیا و به عنوان گلوگاهی حیاتی، توجه بیش از پیش کشورهای منطقه و فرمانطقه را به خود معطوف کرده است.^{۲۴} دریای خزر، دریاچه‌ای بسته^{۲۵} است که از طریق رود ولگا با دریای سیاه ارتباط دارد.^{۲۶} دریای خزر، بزرگ‌ترین

دریاچه بسته جهان است^{۲۷} و از این نظر به آن «دریا» می‌گویند.^{۲۸} عمق آن در ناحیه شمال ۵۰ متر می‌باشد و در ناحیه جنوب به ۹۸۰ متر می‌رسد. سطح این دریا، ۲۸ متر زیر سطح آزاد دریاها، و به لحاظ طبقه‌بندی، در ردیف آبهای شور به شمار می‌آید.^{۲۹}

اولین و مهم‌ترین موقعیت و اهمیت تاریخی این دریا، منابع بسیار غنی آبزیان مانند ماهیان، مرغان، پرندگان مهاجر و غذاهای دریائی بوده است که ساحل‌نشینان آن، از طریق صیادی درآمد کسب می‌کرده‌اند. این منابع، یکی از کلیدی‌ترین راههای فعالیت اقتصادی و کسب درآمد حاشیه‌نشینان خزر بوده است. دومین نقش تاریخی این دریا، به عنوان محوری‌ترین حلقه ارتباط، مهم‌ترین وسیله حمل و نقل، تجارت و گردشگری در منطقه بوده است و راههای دریائی بین بنادر و مناطق آن از قبیل باکو، لنکران، ماقاچ قلعه، آستاراخان، ترکمن باشی، نکا، انزلی و نوشهر، برقرار بوده است و فقط دو کشور ایران و شوروی سابق، دارای مرز در دریای خزر بودند و تنها دولتهای ساحلی این دریا شمرده می‌شدند. دریای خزر علاوه بر موارد مزبور، نقش اساسی دیگری هم داشته و دارد که آب و هوای مرطوب و مناطق سرسبز و حاصلخیز سواحل آن می‌باشد که همه از برکات وجود این دریاست.^{۳۰}

شایان گفتن است که دریای خزر از موقعیت تاریخی، جغرافیائی، آب و هوائی، زیست محیطی و بویژه اقتصادی بسیار مهمی برای کشورهای همسایه برخوردار است؛ به گونه‌ای که هیچکدام از این کشورها نمی‌توانند نسبت به وضعیت و سرنوشت این دریا بی‌توجه باشند. با نگرش به شرایط و اوضاع پیش‌آمده برای این دریا، شایسته است کشورهای ساحلی خزر، توجه بیشتری در آینده به آن داشته باشند.^{۳۱} پس از تجزیه شوروی سابق و ظهور دولتهای

ساحلی جدید، در حال حاضر شمار دولتهای پیرامونی دریای خزر عبارتند از: جمهوری اسلامی ایران در جنوب، جمهوری آذربایجان در غرب، ترکمنستان در شرق، قزاقستان در شمال و شمال شرقی، و روسیه در شمال.^{۳۲}

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور کشورهای ساحلی جدید در حاشیه دریای خزر، سبب شده است تا بیش از پیش حوزه آبی منحصر به فرد آن تحت تأثیر آلاینده‌های متعدد و متنوع قرار گیرد.^{۳۳} حساسیت و شکنندگی محیط زیست دریای خزر به جهت بسته بودن محیط آن و انباشته شدن آلاینده‌های مختلف، به نوعی این دریا را با بحران زیست محیطی روبرو ساخته است.^{۳۴}

نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر

در مورد نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر، دو دیدگاه کاملاً متضاد مطرح است؛ برخی از کارشناسان معتقدند که همانطور که در توافقات متعدد دو کشور ایران و شوروی آمده است، در این دریا، رژیم مشترک، مشاع و یا اعمال حاکمیت مشترک^{۳۵} در موارد استفاده از کشتیرانی، ماهیگیری و فضای ماورای خزر وجود داشته است. بعضی دیگر نیز عقیده دارند که در دریای خزر، مابین دو کشور حد و مرز وجود داشته است. برخی از کارشناسان نیز وجود مرز آبی را در موافقتنامه‌های بین دو کشور تأیید کرده‌اند^{۳۶} و برخی دیگر، آن را صرفاً رویه‌ای اجرائی در بین دو کشور می‌دانند.^{۳۷}

مسئله وجود مرز آبی مابین دو کشور، به خطی برمی‌گردد که از دهانه رودخانه آستاراچای در شمال بندر آستارا به جنوب ایستگاه شماره یک شیلات شوروی در میانه خلیج حسینقلی در ساحل شرقی خزر و در شمال بندر ترکمن کشیده می‌شود.^{۳۸} برخی از محققان ایرانی، این خط را تنها به عنوان

خط تعیین‌کننده آمدوشد هوائی مابین دو کشور، برای هماهنگی در مدیریت پرواز می‌دانستند.^{۳۹}

رژیم حقوقی دریاهای بسته در حقوق بین‌الملل

اصولاً موضوع حقوقی دریاها و دریاچه‌های بسته، در حقوق بین‌الملل دریاها مورد توجه واقع نشده است؛ زیرا حقوق بین‌الملل دریاها، اساساً ناظر بر رشته قواعدی است که استفاده از دریاهای باز و مناطق آبی را - که مستقیماً به دریاهای آزاد راه دارند - سازماندهی کرده است. این قواعد، دائر و حاکم بر مسائلی چون بهره‌برداری از کشتی و هواپیما، اعتبار دریائی، باربری دریائی و هوائی، بارنامه‌های دریائی و هوائی، ترابری دریائی، پرواز بر فراز دریاهای رخدادهای دریائی، حمایت از محیط زیست دریا و اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی دریاهای می‌باشد.^{۴۰} اگرچه برخی اصول کلی را در زمینه دریاهای و دریاچه‌های بسته، حقوقدانان براساس رویه دولتها توسعه و تعمیم داده‌اند، با این حال قواعد حاکم بر این گونه مناطق آبی، هرگز در سطح جهانی تنظیم و تدوین نشده است. کنوانسیونهای موجود در سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاهای، همان کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۵۸ م. ژنو و کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌باشد که به موضوع دریاهای و دریاچه‌های بسته پرداخته و قواعدی در زمینه این مناطق آبی ارائه نکرده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگیهای حقوق بین‌الملل دریاهای و کنوانسیونهای ذیربط، این است که دریاهای مورد بحث، باید از طریق یک آبراه طبیعی به دریاهای باز و اقیانوسها مرتبط باشند. از نظر کنوانسیونهای موجود، دریای خزر جزو دریای بسته محسوب می‌شود؛^{۴۱} چرا که دریای بسته یا نیمه بسته، به معنای خلیج، آبگیر یا دریائی است که آن را دو یا چند دولت محصور کرده باشند و تنها از طریق یک آبراه کم عرض و باریک به دریای

دیگری متصل باشد.^{۴۲}

به طور کلی، از آنجا که اصولاً مسائل مربوط به این دریاچه در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مطرح نشده است، و در زمان تهیه پیش‌نویس این کنوانسیون، وضعیت حقوقی این دریاچه - که هم اکنون پنج دولت هم‌جوار آن هستند - جزو مسائل مطروحه نبوده است، نمی‌توان آن را در شمول مقررات کنوانسیون گنجانند و چون این دریاچه دارای راه ارتباطی طبیعی با اقیانوسهای جهان نیست، بنابراین حوضچه‌ای بسته به شمار می‌رود و موازین حقوق بین‌الملل دریاها، از جمله مقررات مربوط به دریای سرزمینی،^{۴۳} منطقه نظارت،^{۴۴} منطقه انحصاری اقتصادی^{۴۵} و فلات قاره^{۴۶} درباره آن قابل اجرا نمی‌باشد.^{۴۷}

نظام حقوقی دریای خزر پیش از فروپاشی شوروی

ایران، از سده ششم پیش از میلاد تا به امروز، ارتباط مستمر با دریای خزر داشته است و در مقاطع عمده‌ای از تاریخ، امنیت تمامی پهنه آبی و سواحل مجاور آن را تأمین می‌کرده است. چنانکه از قرن پنجم قبل از میلاد تا قرن هفتم بعد از میلاد (همزمان با زمامداری شاهنشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی)،^{۴۸} ایران کم و بیش بر سراسر این پهنه آبی حاکمیت ویژه داشت و در واقع، خزر، دریاچه داخلی ایران تلقی می‌شد.^{۴۹} با ظهور پترکبیر و گسترش قلمرو روسیه به طرف شرق و دستیابی به بندر آستراخان، روسیه به عنوان قدرت ساحلی نوحاسته دریای خزر ظاهر گردید.

از ابتدای قرن نوزدهم، امپراتور روسیه بر آن شد تا در قفقاز، نفوذ روسیه را مجدداً احیا کند و برای این منظور، نیروی نظامی به قفقاز گسیل داشت. این حرکت، باعث رویارویی ایران و روسیه گردید و پیامد ناگوار آن، انعقاد دو قرارداد گلستان

در ۱۸۱۳ م. / ۱۲۲۸ ق. و ترکمانچای در ۱۸۲۸ م. / ۱۲۴۴ ق. بود!

معاهده گلستان، اولین قرارداد منعقد شده میان دو کشور ایران و روسیه تزاری بود که رژیم حقوقی دریای خزر را تعیین کرد. این معاهده، به دنبال شکست ایران از روسیه تزاری در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م. / ۱۶ شوال ۱۲۲۸ ق. و با وعده‌های فریبنده سفیر انگلیس امضا شد.^{۵۰} بر مبنای فصل پنجم آن، ایران طبق روال قبل از آن معاهده، همچنان دارای حق کشتیرانی تجاری در دریای خزر بود، اما از داشتن کشتی نظامی در این دریا محروم گردید و حقوق انحصاری تسلط بر آن به روسها واگذار شد. بر این اساس، عباس میرزا در عوض وعده‌های توخالی (یعنی حمایت روسیه از پادشاه شدنش)، از تمام دعاوی ایران چشم پوشید.^{۵۱}

وقوع جنگ دوم ایران و روسیه تزاری، موجب فسخ عهدنامه گلستان و انعقاد عهدنامه ترکمانچای در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ م. / ۶ شعبان ۱۲۴۳ ق. شد. این عهدنامه نیز همچون عهدنامه پیشین، بر رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر تأکید کرد و علاوه بر آن، بخشهای دیگری از خاک ایران به روسها تقدیم کرد و آمدوشد کشتیهای جنگی را در دریای خزر، در انحصار روسها قرار داد. برخی محققان، این معاهده را مساوی با از دست رفتن استقلال کامل دولت ایران و آغاز مداخلات بیگانگان در امرداخلی کشور و تبدیل شدن آن به میدان رقابتهای اقتصادی^{۵۲} و نیز منشأ اصلی نظام کاپیتولاسیون در ایران بر شمرده‌اند.^{۵۳} پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م.، روابط ایران و حکومت جدید روسیه دگرگون شد. این روابط، بر رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر نیز تأثیر بسزائی گذاشت.

در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. / ۷ اسفند ۱۲۹۹ ش.، دو کشور ایران و شوروی، عهدنامه مودت امضا کردند. درباره این عهدنامه، نظرات متفاوتی ارائه

شده است؛ برخی از نگاهی کاملاً مثبت به آن نگریسته و اعتقاد دارند که این قرارداد، شاید بهترین و مطلوب‌ترین قراردادی بود که می‌توانست میان ایران و همسایه بزرگ شمالی‌اش وجود داشته باشد.^{۵۴} بعضی نیز مدعی هستند که این معاهده، آزادی عمل سیاسی ایران را تنگ‌تر و نوعی محدوده امنیت ملی و احیاناً دخالت مسلحانه را برای این ابرقدرت ایجاد کرده است.^{۵۵}

گذشته از اظهار نظرات متفاوت، به نظر می‌رسد این عهدنامه، صرف‌نظر از مواد ۵ و ۶، منافی نیز برای ایران داشته است. برطبق این عهدنامه، کلیه معاهدات و قراردادهای دولت تزاری روسیه با ایران ملغاً اعلام شد و پایه و اساس مناسبات جدید تلقی گردید.^{۵۶} براین اساس، حقوق انحصاری همسایه شمالی در دریای خزر، جای خود را به رژیم حقوقی جدید (با در نظر گرفتن حق برابر کشتیرانی برای دو طرف) داد و روستای فیروزه و جزیره آشوراده و جزایر مربوط دیگر در خلیج گرگان، به ایران مسترد گردید.^{۵۷} درباره امنیت این دریا نیز طرفین بر عدم حضور اتباع دولت ثالث در ناوگان ایران در دریای خزر تأکید کردند تا جلوی مقاصد خصمانه روسیه از این طریق گرفته شود. در فصل اول عهدنامه مزبور، کلیه معاهدات، مقاولات و قراردادهای قبلی از درجه اعتبار ساقط شده است.^{۵۸}

در سال ۱۹۲۷ م. / ۱۳۰۵ ش. قرارداد عدم تجاوز و بیطرفی بین دو کشور ایران و شوروی منعقد شد. به موجب این قرارداد، طرفین از شرکت در اتحادیه‌های سیاسی یا موافقتنامه‌های ضد امنیت آبهای سرزمینی منع شدند. در فصل سوم قرارداد مذکور، تصریح شده است که هریک از طرفین متعهد می‌باشند که عملاً و رسماً نباید در اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های سیاسی ضد مصونیت دریائی و زمینی و ضد استقلال و تمامیت ارضی یا حاکمیت طرف

متعهد دیگر شرکت کند.

به طور کلی، معاهدات و قراردادهای منعقد شده میان دو کشور ایران و شوروی، تا هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بر اصل مشاع بودن این دریا تأکید داشت و در هیچ معاهده و نوشته‌ای، از تعیین حدود و مرز دریائی بین دو کشور در دریای خزر نامی برده نشده است.^{۵۹}

نظام حقوقی دریای خزر پس از فروپاشی

یکی از نتایج فروپاشی شوروی، افزایش تعداد دولتهای ساحلی دریای خزر بود. چنین تغییری، موجب شد تا دولتهای ساحلی دریای خزر نسبت به منافع خود در این دریا بیش از پیش حساسیت نشان دهند. بویژه آنجا که به منابع طبیعی خزر مربوط می‌شود، و از آنجا که منابع طبیعی غنی در دریای خزر اخیراً کشف شده است، بهره‌برداری یک جانبه از این منابع، می‌تواند زمینه‌ساز بروز تنشها و اختلافات شود.^{۶۰}

پیشرفتهای فناوری دریائی در چندین دهه گذشته، این امکان را فراهم ساخته است تا بتوان مواد معدنی و منابع نفت و گاز را از دریای خزر استخراج کرد. در سالهای اخیر، تعداد زیادی چاه نفت در دریای خزر حفر شده است. وجود این منابع طبیعی، بر اهمیت دریای خزر افزوده است. در این باره، برخی از کارشناسان حقوق بین‌الملل معتقدند که هرچند فعالیتهائی چون کشتیرانی و ماهیگیری، از جمله علاقه‌مندیهای دولتهای ساحلی دریای خزر است، اما در حال حاضر موضوع عمده از نظر آنها تعیین وضعیت منابع معدنی و نفت و گاز موجود در بستر و زیربستر دریای خزر است. در این زمینه، دو مسئله اساسی وجود دارد که باید حل و فصل شود:

مسئله اول در زمینه مالکیت و یا تعیین سهم درباره منابع می‌باشد. هنوز روشن نیست که دولتهای ساحلی

چه شیوه‌ای برای توزیع ثروت‌های طبیعی دریای خزر، به کار خواهند برد. به هر حال یکی از راهکارهای ممکن، به کارگیری نظام میراث مشترک در چارچوب منابع غیرزنده دریای خزر یا به طور کلی منابع طبیعی آن است. در صورت پذیرش چنین نظامی، هرگونه اقدام یک جانبه در بهره‌برداری از منابع معدنی، نفت و گاز دریای خزر، غیرمجاز و ناپذیرفتنی خواهد بود.

مسئله دوم، آلاینده‌های محیط زیست دریای خزر است.^{۶۱} با توجه به کشف ذخایر نفت و گاز در دریای خزر و بهره‌برداری از آنها، خطر آلودگی ناشی از این منابع کاملاً احساس می‌شود. محیط زیست دریای خزر، حساس است و آلودگی ناشی از استخراج منابع نفت و گاز آن، زیانهای جبران‌ناپذیری برای محیط زیست خزر به همراه خواهد داشت.^{۶۲} این موضوع، بیش‌تر به این دلیل درخور توجه، حساس و اساسی است که مناطق نسبتاً عمیق خزر در سواحل کشور ایران قرار دارد و پسابهای آلوده دریافتی را به سوی سواحل ایران می‌کشاند. بنابراین جنبه‌های گوناگون دریای خزر بویژه جنبه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی آن را، دولت‌های ساحلی می‌باید مورد بحث و بررسی قرار دهند.^{۶۳}

اما سؤال اساسی ناشی از وضعیت جدید دریای خزر، این است که آیا موافقتنامه‌های امضا شده ایران و شوروی سابق در زمینه دریای خزر، نسبت به سه دولت جدید جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، دارای اعتبار است یا خیر؟ کمیسیون حقوق بین‌الملل، به این سؤال اساسی چنین پاسخ داده است: معاهدات لازم‌الاجرا، همچنان در قبال هر یک از دولت‌های نوظهور ناشی از تجزیه، معتبر می‌باشد.^{۶۴}

وزیر امور خارجه روسیه نیز با بیان اینکه در شرایط فعلی معاهدات پیشین ایران و روسیه

درباره دریای خزر می‌تواند مبنای تعاملات سیاسی این منطقه باشد، گفت: با توجه به تصویب نشدن رژیم حقوقی دریای خزر، نباید به نوعی پوچگرایی درباره معاهداتی که پیش از این میان ایران و روسیه یا شوروی سابق بوده، برسیم.^{۶۵} از آنجا که روسیه به عنوان جانشین شوروی سابق به رسمیت شناخته شده است، تردیدی نیست که موافقتنامه‌های مزبور میان ایران و روسیه از اعتبار برخوردار است. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، دولت‌های جانشین ملزم نیستند که به عضویت خود در معاهدات و موافقتنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه‌ای که دولت اصلی به آنها پیوسته است، ادامه دهند. اما استثنائی هم در این باره وجود دارد و آن اینکه اگر موضوع معاهده یا موافقتنامه مرتبط با موضوعات مرزی و تعیین حدود باشد، دولت‌های جانشین نمی‌توانند، چنین معاهده یا موافقتنامه‌ای را بی‌اعتبار اعلام کنند.

مزیت بزرگ و اطمینان‌بخش موافقتنامه‌های مزبور برای همه دولت‌های ساحلی، آن است که تا زمان تثبیت یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر، موافقتنامه‌های موجود می‌تواند چارچوب قابل قبولی برای اجرای حقوق و تکالیف دولت‌های پیرامونی دریای خزر فراهم کند و به این ترتیب، مانع اقدامات یک جانبه شود. پس از فروپاشی شوروی، شتاب برخی از کشورهای ساحلی این دریا در بهره‌برداریهای اقتصادی بالا گرفت و طبق شواهد موجود در آینده‌ای نه چندان دور انواع آبیان و پرندگان مهاجر خزر در معرض انقراض قرار خواهند گرفت و دریای خزر به دریائی مرده بدل خواهد شد.^{۶۶}

نظام حقوقی پیشنهادی برای دریای خزر در شرایط فعلی

دولت جمهوری اسلامی ایران، در ابتدا به قرارداد

پا می‌فشارند و آن را تنها راه‌حل موجود در دریای خزر می‌دانند.^{۶۸} اما سیاست کنونی ایران در زمینه حل رژیم حقوقی دریای خزر چگونه است؟

به گفته دکتر هومن پیمانی، سیاست کنونی ایران، باید تقسیم مشاع دریای خزر باشد. زیرا ایران براساس قراردادهای سابقش با شوروی، ۵۰ درصد منابع را در اختیار داشته است.^{۶۹} به نظر بعضی از نویسندگان با توجه به بسته بودن دریا و محیط زیست شکننده آن، ایران با ایجاد یک سهم ۵۰ درصدی، می‌توانست، زمینه همکاری مناسبی میان خود و بازماندگان شوروی سابق به وجود آورد.^{۷۰} بر همین اساس، ایران در این چارچوب مذاکره را شروع کرد؛ ولی مشکل اساسی در این میان، مخالفت دیگر کشورهای ذینفع با این راهبرد بود.^{۷۱}

در چندین سال گذشته، چون ایران به این نتیجه رسیده بود که سایر کشورهای منطقه خواهان استفاده مشترک نیستند، اجباراً به تقسیم پنج قسمتی دریا به طور مساوی تن درداد. در این میان روسیه و دیگر کشورهای ساحلی، با لطایف‌الحیل در تلاش هستند تا آنچنان که دیدگاه رسمی جمهوری اسلامی ایران را از تعقیب حق مسلم ۵۰ درصدی از دریا به ۲۰ درصد تغییر داده‌اند، این بار دولت جمهوری اسلامی ایران را به تخصیص سهم ۱۷، ۱۲ و یا ۱۱ درصدی از این دریا راضی کنند.

به اعتقاد برخی از نویسندگان، رضایت ایران به سهم ۲۰ درصدی مبنی بر تقسیم پنج قسمتی دریا، چندان مطلوب نیست. چرا که با توجه به زمینه تجزیه‌طلبی در جمهوریهای ساحل دریا از جمله منطقه داغستان روسیه و نیز منطقه تالشان در جنوب شرقی آذربایجان، سهم ایران ممکن است به یک ششم، یا یک هفتم و حتی کم‌تر نیز کاهش یابد.^{۷۲}

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای فروپاشی

۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ (قراردادهای منعقد شده میان ایران و شوروی) جهت بهره‌برداری از خزر اشاره می‌کرد، و اعتقاد به برقراری سهم ۵۰ درصدی ایران داشت. کشورهای تازه استقلال یافته نیز، در نشست آلماتی در سال ۱۹۹۲م. / ۱۳۷۱ش. متذکر شدند که بر قراردادهای شوروی سابق متعهد می‌باشند. اما نخست کشور آذربایجان و بعد قزاقستان و سپس کشورهای ذینفع دیگر، با توسل به اینکه شرایط جدیدی در دریای خزر ایجاد شده است، خواستار برقراری وضعیت حقوقی متناسبی با شرایط جدید شدند. بنابراین، پیش‌فرضهای متفاوتی در مورد تقسیم حقوقی خزر مطرح شد و به دنبال آن، دولت ایران هم مواضع متفاوتی درباره وضعیت حقوقی خزر در پیش گرفت. چون دولت جمهوری اسلامی ایران دریافته بود که کشورهای ذینفع منطقه خواهان استفاده مشترک نیستند، اجباراً به تقسیم پنج قسمتی دریا تن درداد و هم اکنون هدف مورد نظر ایران، تقسیم دریا به پنج قسمت مساوی می‌باشد.

باتوجه به وضعیت پراکندگی منابع نفت و گاز دریای خزر، چنانچه این سیاست حاکم شود، سهم منابع نفت ایران افزایش خواهد یافت. براساس گزارش شرکت ملی نفت ایران، ذخایر احتمالی نفت دریای خزر واقع در بخش ایران در ساختارهای مهم شناسائی شده - که شامل ۸ بلوک می‌باشد - حدوداً مشتمل بر ۲۳ میلیارد و ۸۵۰ میلیون بشکه خواهد بود.^{۶۷}

درخور توجه است که تا زمانی که قرارداد تازه‌ای میان کشورهای ذینفع حوزه خزر (آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، ایران و روسیه) منعقد نشده است، قراردادهای پیشین به قوت خود باقی است. در شرایط کنونی، متأسفانه هر یک از کشورهای پیرامونی دریای خزر، نظرات، پیشنهادهای و راهکارهای خود را ارائه می‌دهند و بر اجرای آن

شوروی، به رژیم حقوقی مشاع و یا استفاده مشترک از دریای خزر گرایش نشان می‌داد. اما در جریان تغییر و تحول در دولتهای تازه تأسیس حوزه خزر و نگرشهای مختلفی که در مورد دریای خزر وجود داشت، سرانجام جمهوری اسلامی ایران به تقسیم مساوی آن رضایت داد.

در هر حال، در مورد تقسیم دریای خزر، سهم و منافع ایران می‌تواند متغیر باشد. هر نوع رژیم حقوقی برای ایران دارای فرصتهای متفاوت است: اگر دو سر مرزهای زمینی ایران را در کناره دریای خزر به هم وصل کنیم، خطی پدید خواهد آمد که به نام خط «آستارا - حسینقلی» معروف است. آبهای زیر این خط، ۱۱٪ از کل آبهای دریای خزر را تشکیل می‌دهد. این خط، هیچگاه در زمان اتحاد جماهیر شوروی برای فعالیت ایران در خزر مطرح نبوده است، بلکه در فعالیتهای پروازی هواپیماها بر فراز خزر دو نقطه انتقال نگهداری هواپیما از فرودگاههای ایران به اتحاد شوروی بر روی این خط قرار داشت. همچنین در نقشه‌های داخلی شوروی سابق، از تقسیم‌بندی دریای خزر برای فعالیتهای نفت و گاز در میان جمهوریهای داخل اتحاد شوروی از این خط استفاده می‌شد. شاید گفته شود که ایران در دوره قبل از فروپاشی شوروی هرگز از این خط بالاتر نرفته است؛ اما نباید از نظر دور داشت که براساس پیمان ۱۹۲۱ و قرارداد ۱۹۴۰، خزر دریای مشترک ایران و شوروی بوده است و نظام حقوقی حاکم بر دریا، حاکمیت مشترک، به منظور استفاده مشترک دو کشور از دریای خزر و منابع طبیعی ساحلی آن بوده است؛ و در هیچ سندی از تعیین حدود و مرز دریائی میان دو کشور در دریای خزر، ذکری به میان نیامده است.

روش دیگر برای تقسیم دریای خزر، استفاده از خط میانه با فواصل متساوی از ساحل است.

در این صورت، هر کشوری که دارای ساحل محدب با خزر است، سهم بیشتری از آن خود کرده و کشورهای با ساحل مقعر، سهم کمتری خواهند برد. قزاقستان و آذربایجان با سواحل محدب خود، به ترتیب ۲۸/۴ و ۲۱٪ از آن خود خواهند کرد. روسیه ۱۹٪، ترکمنستان ۱۸٪ و ایران ۱۳/۶٪ از آبهای خزر را خواهند داشت. ایران در صورت تقسیم دریای خزر، پیشنهاد کرده بود که تقسیم به صورت مساوی (مشاع) انجام پذیرد. در این روش، جمهوری اسلامی ایران، خزر را دریاچه‌ای می‌داند که باید براساس انصاف، سطح و زیربستر آن، میان کشورهای ساحلی تقسیم شود که در صورت تصویب چنین طرحی، حق جمهوری اسلامی ایران بیست درصد از خزر جنوبی خواهد بود^{۷۳} که به آن، نقطه میرزا کوچک خان می‌گویند. این، بدین معنی است که از سهم قزاقستان و آذربایجان کم شده و به سهم ایران، ترکمنستان و روسیه اضافه می‌شود.

پس از فروپاشی شوروی در آغاز دهه ۱۹۹۰م. / ۱۳۶۹ش. و تشکیل ۱۵ جمهوری مستقل، نخستین اجلاس سران کشورهای ساحلی این دریا، به ابتکار جمهوری اسلامی ایران در ۱۷ فوریه ۱۹۹۲م. / ۸۲ بهمن ۱۳۷۰ش. در تهران تشکیل شد تا مابین کشورهای جدید و دولتهای جمهوری اسلامی ایران و روسیه، هماهنگیهای مختلف صورت پذیرد. البته نگرانی جمهوری اسلامی ایران از چگونگی اجرای رژیم حقوقی این دریا پس از فروپاشی شوروی، کاملاً بجا بوده است.^{۷۴} براساس مواد ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون وین، جانشینان کشور تجزیه شده، ملزم به پایبندی به قراردادهای گذشته خواهند بود. بر این مبنا، کشورهای جایگزین شوروی سابق، در کنفرانس آلماتی قزاقستان در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۱م. / ۳۰ آذر ۱۳۷۰ش. و نیز براساس سند شماره ۹۴/۵۸۴ A مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۴م. /

۲۳ مهر ۱۳۷۳ ش. متعهد شدند، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را بپذیرند و بر اجرای آن پایبند باشند. ولی ایجاد تغییر و تحولات و چرخشهایی در عملکرد برخی کشورهای تازه استقلال یافته، بتدریج تنشهایی در روابط بین کشورها و موضع‌گیریهایی از آنها به دنبال داشت که دامنه آن همواره منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در این دریا با تهدید جدی روبه‌رو ساخته است.

آغاز این تعارضات، به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ م. / ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ ش. بازمی‌گردد که طی آن در بخشی از دریا - که دولت آذربایجان به عنوان بخش آذربایجانی دریا نامید - شرکت بین‌المللی عملیات نفتی آذربایجان با شرکت‌های آمریکائی و انگلیسی، قرارداد کلانی به نام «قرارداد قرن»^{۷۵} - که به اختصار AIOC نامیده می‌شود - منعقد کرد.^{۷۶} عملیات اکتشافی و استخراجی نفت آذربایجان بسرعت اجرا شد، بدون توجه به اینکه قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به عنوان مبنای تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران بر استفاده مشاع دو کشور ایران و شوروی تصریح کرده و از طرف دیگر، تا تکمیل قراردادهای موجود، هیچیک از کشورها نمی‌توانند یک جانبه از منابع این دریا بهره‌برداری کنند.

در این راستا، دولت روسیه نیز بلافاصله از اقدام آذربایجان به سازمان ملل و نیز به انگلستان، به عنوان یکی از طرفین اصلی قرارداد مذکور شکایت و تأکید کرد تا تعیین تکلیف نهائی، قراردادهای پیشگفته لازم‌الاجراست و هر تصمیمی درخصوص دریای خزر، باید به توافق جمعی برسد. ایران نیز پس از اقدام آذربایجان، موضع مشابهی علیه قراردادهای آذربایجان و شرکت‌های آمریکائی اتخاذ کرد و خواستار اعمال اصل مشاع در بهره‌برداری از دریای خزر شد. بتدریج گزینه‌های مختلف حقوقی در این دریا مطرح شد که براین اساس،

هریک از کشورها تاکنون سعی داشته‌اند گزینه‌ای به کار گیرند که بیش‌ترین منافع را برای آنان به دنبال داشته باشد.

نتیجه

طبق اصول و موازین حقوق بین‌الملل و بویژه باتوجه به کنوانسیون حقوق دریاها و مقررات و رویه‌های دیگر بین‌المللی، رژیم حقوقی دریاچه‌ها و دریاها بسته، همان است که براساس قراردادهائی میان دولتهای ساحلی ذیربط منعقدگردیده‌است. بنابراین در مورد دریای خزر نیز درحال حاضر، قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ م.، تعیین‌کننده وضعیت حقوقی دریای خزر خواهد بود.^{۷۷} قراردادهای مزبور طبق اصول و موازین بین‌المللی، قراردادهائی ثبت شده و تعریف شده‌اند و چنین قراردادهائی در موارد مشابه مورد قبول رسمی و منبع قابل قبول برای صدور احکام دادگاه بین‌المللی لاهه بوده است.^{۷۸}

بر مبنای اصل «جایگزینی دولت و یا دولتها» به جای دولت قبلی، آن دولت و یا دولتهای جدا شده از دولت قبلی، ناگزیر از پذیرش تعهدات دولت طرف قرارداد هستند.

دریای خزر - که از مهم‌ترین و حساس‌ترین قسمتهای جهان از نظر اقتصادی و ژئوپلیتیکی به شمار می‌رود و دارای منابع عظیم نفتی و آبزیان دریائی است - پس از ظهور کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، به صورت مرکزی از اختلافات بین دولتهای ساحل این دریا قرار گرفته است. این امر، ناشی از نبود رژیم حقوقی معین می‌باشد. چرا که اختلاف شدیدی بین دولتهای ساحلی این دریا راجع به رژیم حقوقی آن وجود دارد که یکی از آن موارد، اختلاف شمول یا عدم شمول مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، به عنوان رژیم حقوقی این دریا می‌باشد. چنانکه قبلاً هم بیان

شد، به هیچ وجه نمی‌توان این کنوانسیون را حاکم بر دریای مازندران دانست؛ چرا که دریاچه‌هایی از قبیل دریای خزر، از شمول مفاد این کنوانسیون خارج هستند.^{۷۹}

دریای خزر، این دریای پر نعمت، نیازمند اجرای طرح‌های راهبردی و اولویت‌دار در زمینه حفظ تنوع زیستی، مقابله با گونه‌های مهاجم غیربومی و کاهش آلودگی به دست کشورهای حاشیه‌نشین و همچنین تقویت چارچوب‌های قانونی و سیاست‌گذاری زیست محیطی در سطح ملی و منطقه‌ای است. آلودگی‌های نفتی و دیگر آلاینده‌ها، می‌توانند از طریق فعالیتهای نفتی، ترابری و سوانح دریائی و یا نشت لوله‌های فرسوده نفت، وارد دریای خزر شوند. آلودگی‌های نفتی، یکی از چالش‌های فراروی خزر است و حفظ آینده دریای خزر، نیازمند مشارکت و حضور بیش از پیش کشورهای ساحلی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است.

از مباحث مطرح شده، می‌توان چنین استنباط کرد که در حقوق دریاها، کوششی در جهت تدوین اصول کلی حاکم بر دریاها و دریاچه‌های بسته صورت نگرفته است. به این ترتیب مسائل مربوط به مدیریت، بهره‌برداری و استفاده از این گونه حوزه‌های آبی و نیز دیگر مسائل مربوط، می‌باید با تدوین قواعدی از سوی دولتهای ساحلی ذینفع مورد بحث واقع شود. براین اساس، می‌توان گفت این دولتها در ایجاد نظام‌های حقوقی حاکم بر این مناطق آبی، دارای اختیار تام و کامل هستند. بنابراین گذشته از اینکه ماهیت و محتوای موافقتنامه‌ها میان دولتهای ساحلی ذیربط چه باشد، ممکن است نظام‌های حقوقی متفاوتی برای دریاها و دریاچه‌های بسته وجود داشته باشد؛ در حالی که قواعد حقوق دریاها، به طور یکسان، در مورد همه مناطق دریائی، به کار می‌رود.

به طور کلی، اگرچه قواعد حقوق دریاها در

مورد دریاچه‌ها و نواحی آبی بسته کاربرد ندارد، اما در زمینه استفاده از این قواعد و به کارگیری آنها محدودیتی نیست؛ مشروط بر آنکه همه دولتهای مربوط، در این باره با یکدیگر به توافق کامل دست یابند. در هر حال در این مقطع حساس و موقعیت ویژه، باید اولین تلاش نسبت به تأسیس رژیم حقوقی برای دریای خزر، به روش تفاهم صورت پذیرد. چنانچه رژیم حقوقی دریای خزر را تابع کنوانسیون حقوق دریاها بدانیم، منطقه خزر، به عرصه ورود و دخالت سایر کشورها تبدیل خواهد شد که در نهایت، به سود هیچیک از دولتهای ساحلی این دریا نخواهد بود.

در هر حال، روند تدوین رژیم حقوقی دریای خزر و اعمال حاکمیت ملی و حفظ و تأمین امنیت ملی در فضائی دشوار، حیاتی و حساس برای جمهوری اسلامی ایران به پیش می‌رود و این، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و تلاش اندیشمندان کشور است که باید با درایت و دوراندیشی، در محیطی خالی از ارعاب و جنجال، نسلهای آینده را به قضاوتی تحسین‌برانگیز و مثبت در مورد تصمیم‌گیریهای خود وادارند. مقامات سیاسی کشور، می‌باید با توجه به واقعیات ملی و بین‌المللی، مراحل مذاکرات خود را برای دستیابی به موافقتنامه‌ای که حداکثر منافع ملی را برای کشور به دنبال داشته باشد، سرعت بخشند و در عین حال، با دقت، تدبیر و تأمل، همه جنبه‌های گوناگون دریا را به نحوی که منافع کامل جمهوری اسلامی ایران را دربرگیرد، بررسی کنند و فرصتهای طلائی بهره‌گیری سیاسی و اقتصادی را از آن موقعیت براحتی از دست ندهند. سیاستگذاران و اندیشمندان ایرانی، باید در این برهه حساس تاریخی با هوشیاری هرچه بیشتر، از هرگونه ابراز نظر و تصمیمی که منافع بلندمدت ملی، وحدت ملی، نژادی و زبانی

%D9%85%D9%87_%DA%AF%D9%84%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86.

۸- برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: *تاریخ ملل و دول اسلامی* ترجمه هادی جزایری (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶)، ص ۵۸۲.

۹- برای اطلاع بیش‌تر بنگرید به: نوازی، پیشین، ص ۴۸.
10- <http://www.bmsu.ac.ir/nemaiandegi/AHKAM/SIYASI/ravabet/sias1902.htm>;

- محمدتقی سپهر، *ناسخ التواریخ*، با مقابله و تصحیح جهانگیر قائم‌مقامی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۷)، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۱۱- برای اطلاع بیش‌تر در مورد دو قرارداد گلستان و ترکمانچای، بنگرید به: قاضیها، فاطمه، *اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمانچای*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴؛ پاکروان، امینه، *عباس میرزا و فتحعلی شاه: نبردهای دهساله ایران و روس*. ترجمه صفیه روحی. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۶.

۱۲- نوازی، پیشین، ص ۴۹.

۱۳- سعید نفیسی، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر* (تهران: انتشارات بنیاد، ۱۳۷۲)، جلد ۱، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۱۴- واژه کاپیتولاسیون [Capitulation]، از کلمه لاتین Capitulate مشتق شده و به معنی انعقاد عهدنامه و قرارداد و یا خود عهدنامه است. مفهوم عام حقوقی کاپیتولاسیون، عبارت از نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمینات، امتیازات و مصونیت‌های قضائی است که به موجب تصمیمات یک جانبه یا اسناد قضائی دیگر، به دولت‌های مسیحی در سرزمین‌های غیرمسیحی داده می‌شد. در ممالک و سرزمین‌های مزبور، به طور کلی اتباع بیگانه، گاهی بدون رعایت اصل متقابل، از حدود صلاحیت

جمهوری اسلامی ایران را در معرض تهدید قرار می‌دهد، پرهیز کنند و به امنیت، مصلحت و منافع ملی کشور بیندیشند.

تدوین رژیم حقوقی دریای خزر و اعمال حاکمیت ملی و حفظ و تأمین امنیت ملی، براساس موافقتنامه جدید دولتهای ساحلی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مقامات سیاسی ایران، نباید با دیپلماسی نسنجیده، زمینه دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای را فراهم کنند. بنابراین باید با هوشمندی، ضمن تحکیم منافع ملی، از هرگونه تشنج و رقابت جلوگیری کنند تا هیچ مستمسکی برای حضور کشورهای فرامنطقه‌ای وجود نداشته باشد. ماهیت و محتوای موافقتنامه‌های دولتهای ساحلی، تا آنجا که ممکن است باید همه‌جانبه باشد. همچنین، اصول موافقت‌های موجود در دریای خزر - که میان ایران و شوروی منعقد شده بود و طی مدت زمانی طولانی بخوبی اعمال می‌شد - می‌باید در موافقت‌های جدید اعمال گردد.

پیش‌نوشتها

۱- خانابا بیانی، *تاریخ ایران* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۱۸)، ص ۱۹۲.

۲- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۴۰.

۳- بهرام نوازی، *عهدنامه مودت ایران و شوروی* (تهران: نشر همراه، ۱۳۶۹)، ص ۳۹.

۴- همان، ص ۴۲.

۵- علی‌اکبر بینا، *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲)، جلد ۱، ص ۲۰.

۶- بیانی، پیشین، ص ۲۲۳.

7- <http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9>

%D9%87%D8%AF%D9%86%D8%A7

مقامات قضائی محلی خارج بودند و تابع صلاحیت مقامات و بویژه مأموران کنسولی و سیاسی دولت متبوعه خود محسوب می‌شدند و دعاوی، شکایات و محاکمات مربوط به امور جزائی آنان را، کنسول یا نماینده دولت متبوعشان حل و فصل می‌کرد. اگر شهروند کشوری در کشور دیگر مرتکب جرم یا جنایتی می‌شد، آن کشور حق دستگیری و مجازات وی را نداشت و می‌باید به کشور خود فرستاده می‌شد تا طبق قوانین آن جا محاکمه و مجازات شود. کاپیتولاسیون، اصل حاکمیت و استقلال کشور را متزلزل می‌ساخت، به قوانین خارجی اعتبار برون مرزی می‌بخشید، اتباع کشور را از حمایت کامل قضائی محروم می‌کرد و حق مشروع آنان را به بیگانه می‌داد. برای آگاهی بیش‌تر درباره کاپیتولاسیون، بنگرید به:

[http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=2196;](http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=2196)

ایرج سعید وزیری، *نظام کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران* (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، بی‌تا)، صص ۵-۱۰؛ مسعود اسداللهی، *احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن* (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳)، صص ۲۴-۳۰؛ روزنامه *ایران*، شماره ۲۷۹۲، (۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۳)؛ روزنامه *کیهان*، شماره ۱۸۷۴۷، (۶ اسفند ۱۳۸۵)؛ علی‌اکبر صفی‌پور، «کاپیتولاسیون در روابط ایران، عثمانی و ترکیه»، *گنجینه اسناد*، شماره ۶۴ (زمستان ۱۳۸۵).

۱۵- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۲۷۳.

۱۶- برای اطلاع بیش‌تر درخصوص تحلیل اندیشمندان از عهدنامه مودت ۱۹۲۱، بنگرید به: حسین مکی، *تاریخ بیست ساله ایران* (تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲)، جلد ۱،

صص ۱۲۲، ۱۲۴ و ۵۵۰؛ محمدعلی مهمید، *پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران*، (تهران: نشر میترا، ۱۳۶۱)، صص ۳۲۴؛ علی‌اصغر شمیم، *ایران در دوره سلطنت قاجار* (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۲)، صص ۵۰۶-۵۱۰؛ حاتم قادری، *پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد ۱۹۲۱* (تهران: ایرانچاپ، ۱۳۵۹)، جلد ۱، ص ۲؛ مصطفی شعاعیان، *نگاهی به رابطه شوروی و نهضت انقلابی جنگل* (تهران: ارژنگ، ۱۳۴۹)، ص ۵۲۱؛ جوزف م. آپتون: *نگرشی بر تاریخ ایران نوین*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نیلوفر، ۱۳۵۹)، صص ۶۸-۷۳؛ مریم میراحمدی، *پژوهشی در تاریخ معاصر ایران: برخورد شرق و غرب در ایران* (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶)، صص ۵۰ و ۵۱؛ همایون الهی، *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵)، صص ۲۳ و ۲۴؛ سرپرسی لورین، *شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی (تهران: فلسفه، ۱۳۶۳)، صص ۲۴ و ۲۵.

۱۷- عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه* (تهران: زوار، ۱۳۴۳)، ص ۳۹۸.

۱۸- عهدنامه ترکمانچای، فصل یازدهم.

۱۹- فاطمه قاضیها، *اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه* (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰)، اسناد شماره ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲۰- برای ملاحظه کل قرارداد، بنگرید به: *اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول* (تهران: اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶)، جلد ۸، صص ۲۱۰-۲۱۲.

21- <http://www.persianarchive.com/82-3-21/political.html>.

آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۷۵)،
صص ۱۸-۳۰.

30-<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=342516>.

31-<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=342516>.

32- <http://www.britannica.com/eb/article-48072/Caspian-Sea>.

33 -<http://www.assaluyeh.com/articles.php?127-fa>.

34-Bundy, Rodman, "Legal Aspects of protecting The Environment of The Caspian", *National Environmental Law SOAS*, No.2 & Review of European Community 1996, p.131.

۳۵- Condominium; اعمال حاکمیت مشترک دو یا چند کشور را به نحو اشاعه بر یک منطقه گویند.

36 -<http://www.iranbar.org/pm82.php>.

۳۷- برای مطالعه بیش تر بنگرید به: نامه احمد میرفندرسکی، وزیر خارجه وقت ایران، خطاب به گیو میرفندرسکی، مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۹۹م. / ۴ دی ۱۳۷۸ش. و گزارش دريادار سيف‌الله انوشيروانی، فرمانده ناوگان ایران در شمال، به گیو میرفندرسکی در ۱۳ مه ۱۹۹۷م. / ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۶ش. هر دو سند در:

- Mirfendereski, *A Diplomatic History of the Caspian Sea: Treaties, Diaries, and Other Stories* (New York: Palgrave, 2001), p. 215.

38- Mirfendereski, *Ibid*, p.175.

۳۹- منوچهر محسنی، «کشورهای حوضه دریای خزر در قرن بیست و یکم: منطقه رقابت یا همکاری»، *مطالعات*

۲۲- *راهنما و مشخصات معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول* (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۱۸۵ - ۱۳۵۷ش. / ۱۸۰۷ - ۱۹۷۹م.).

۲۳- علی درویش‌زاده، *زمین شناسی ایران* (تهران: نشر دانش امروز، ۱۳۷۰)، ص ۷۷۸.

۲۴- برای مطالعه بیش تر در مورد موقعیت جغرافیائی دریای خزر، بنگرید به:

"Caspian Sea"; *Encyclopedia Britannica*.

London: Encyclopedia Britannica, 2001; Fradkin, L. A., R. I. Benteau, & S. V. Gully. "Caspian Sea: Offshore Exploration, Discoveries, and Strategy"; *Journal of Canadian Petroleum Technology*; Vol. 41, No. 8; (Aug. 2002);

افشار سیستانی، ایرج، *دریای مازندران*: (پژوهش در جغرافیای طبیعی، نام و پیشینه تاریخی، رژیم حقوقی محیط زیست و اقتصاد). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱؛ محمودزاده، کمال، *شناخت دریای مازندران و پیرامون آن*. تهران: دبیزش، ۱۳۸۴.

25- Closed Sea.

۲۶- بهمن آقائی، *مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران* (تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴)، ص ۹.

۲۷- برای اطلاعات بیش تر بنگرید به: فرشته قاسم‌زاده، «دریا یا دریاچه خزر»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیائی*، شماره ۴۸ (۱۳۷۷)، ص ۱۰۵؛ فرهاد طلائی، *حقوق بین‌الملل کاربردی* (تهران: مجد، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۴.

28 -<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=342516>.

۲۹- بهرام امیراحمدیان، «جغرافیای دریای خزر» *مطالعات*

- آب تا لبه خارجی حاشیه قاره یا تا فاصله ۲۰۰ مایل از خط مبدأ در صورتی که لبه خارجی حاشیه قاره، در فاصله‌ای کم‌تر از ۲۰۰ مایل از خط مبدأ قرار گیرد (ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا). فلات قاره، در اصطلاح جغرافیائی، عبارت است از منطقه‌ای در امتداد سطح سواحل که بتدریج به داخل دریا غوطه‌ور می‌گردد تا آنجا که شیب آن یکباره به صورت پرتگاهی به سمت کف دریای آزاد سرازیر می‌شود. علی‌اصغر کاظمی، *ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶)، ص ۱۴۷.
- 47- <http://geocities.com/hoghughdanan-Caspian-sea.htm>.
- ۴۸- برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: وهاب ولی، «نگاهی به تاریخ، تمدن و فرهنگ خزرها» *مطالعات آسیای مرکزی*، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۷۵)، صص ۳۵-۵۸.
- ۴۹- برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: داود هرمیداس باوند، «رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست محیطی و امنیتی» *مطالعات آسیای مرکزی*، شماره ۳۶ (زمستان ۱۳۸۰)، صص ۷-۳۹.
- ۵۰- جهانگیر قائم‌مقامی، سندی درباره سفر یرملوف به ایران، *بررسیهای تاریخی*، سال پنجم، شماره ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۴۹)، ص ۲۴۴.
- ۵۱- کارل بروکلمان، *پیشین*، ص ۵۸۲.
- ۵۲- برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: محمدعلی مهمید، *پیشین*، ص ۱۹۵؛ پیوکارلوترنزیو، *رقابتهای روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمه عباس آذری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳)، صص ۵-۴۵.
- ۵۳- ایرج سعید وزیری، *پیشین*، صص ۱۰-۱۷.
- ۵۴- جواد شیخ‌الاسلامی، *روابط ایران و شوروی از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا شهریور ۱۳۲۰* (تهران: انتشارات دانشکده

- آسیای مرکزی*، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۷۵)، ص ۷۸.
- ۴۰- حسن ستوده تهرانی، *حقوق دریائی و هوائی* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴)، صص ۲۳۸-۲۴۰.
- ۴۱- هادی مشهدی، «دریای خزر، حقوق قدیم و پنج کشور جدید» *روزنامه همشهری*، شماره ۶۹۱۵ (۲۰ اسفند ۱۳۷۸).
- 42- <http://www.ndga.net/pastconv-conv1982summary.php>.
- ۴۳- دریای سرزمینی، عبارت است از ماورای قلمرو خشکی و آبهای داخلی و آبهای مجمع‌الجزایری، تا منطقه‌ای از دریا که متصل به سواحل دولت ساحلی است. عرض این قسمت از دریا، ۱۲ مایل دریائی از خط مبدأ است (ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا). دریای سرزمینی، براساس نظریه‌ای که از گذشته مطرح بوده است، جزئی از قلمرو خاکی دولت محسوب می‌گردد.
- ۴۴- منطقه نظارت یا مجاور (Zone Contiguous)، به قسمتی از دریا اطلاق می‌گردد که فاصله آن از خط مبدأ دریای سرزمینی ۲۴ مایل است. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: مایکل اکهرست، *حقوق بین‌الملل نوین*، ترجمه مهرداد سیدی (تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۷۳)، ص ۲۳۴.
- ۴۵- منطقه انحصاری اقتصادی، شامل محدوده‌ای است که از خط مبدأ دریای سرزمینی دولت ساحلی شروع و حداکثر تا ۲۰۰ مایل امتداد می‌یابد.
- ۴۶- فلات قاره، ترجمه اصطلاح انگلیسی Continental shelf می‌باشد و ظاهراً فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصطلاح «ژرفاشیب» را به جای آن پیشنهاد کرده بود ولی هنوز تصویب نشده است. از نظر حقوقی، عبارت است از: بستر و زیربستر منطقه‌ای از دریا در ماورای دریای سرزمینی، به عنوان امتداد طبیعی سرزمین در زیر

popup_printcontent /0,,2460397,00.html.

۷۰- میر مهرداد میرسنجری، «نگاهی به چالشهای سیاسی ایران در بهره‌برداری دریای خزر» *روزنامه همشهری* (۲۱ خرداد ۱۳۸۲).

۷۱- کشورهای آذربایجان و قزاقستان، معتقدند که سهم هر کشور ساحلی از دریای خزر، از منطقه امتداد ساحلی تا خط مرکزی یعنی خطی است که فاصله برابری از هر ساحل دارد. به دلیل وجود مهم‌ترین منابع غنی نفتی در مجاورت سواحل این دو کشور، آنها متمایل به تعیین منطقه انحصاری اقتصادی از خط مرکزی می‌باشند. برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: هادی مشهدی، پیشین، شماره ۲۰۷۰ (۱۶ اسفند ۱۳۷۸).

۷۲- میر مهرداد میرسنجری، همان.

۷۳- نفیسه کوهنورد، «دریای دغدغه، ایران و چالش رژیم حقوقی خزر»، *روزنامه همشهری* (۶ خرداد ۱۳۸۲).

۷۴- روسیه به عنوان وارث شوروی سابق، برخلاف قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰م، با کشورهای همسایه خود در مورد دریای خزر معاهداتی دو جانبه منعقد کرده است. (بنگرید به: مهرداد میرسنجری، «دفاع ایران از یک حق تاریخی» *ایران*، شماره ۲۱۰۷، ص ۹).

75- Azerbaijan International Operating Company.

76- http://www.azer.com/aiweb/categories_magazine/62_folder/62_articles/62_socar_aioc.html.

77- <http://www.sivand.com>.

۷۸- معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰م، منبای حقوقی محکمی برای اعمال حق حاکمیت ایران تلقی می‌شوند. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: یوسف مولائی، «چگونگی اثبات حق حاکمیت ایران در دریای خزر»، *ایران*، شماره ۲۱۰۳، ص ۷.

حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۶۳)، ص ۲۴.

۵۵- قادری، پیشین، جلد ۲، ص ۹.

۵۶- شمیم، پیشین، ص ۵۰۶.

۵۷- برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۰۲۳۲، محل در آرشیو ۵۱۸ض ۱۱۲.

۵۸- ایرج ذوقی، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ* (تهران: پازنگ، ۱۳۶۸)، صص ۵۳۲-۵۴۰.

59- <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=100>.

60- <http://www.qabas.org/marefat/archaive/82/110htm#1#1>.

۶۱- برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۳۳۰۰۰۱۳۳، محل در آرشیو ۳۳۰۱ص ۱.

62- <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=146>.

63- <http://www.roozonline.com/archives/2007/06/005444.php>.

۶۴- هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات* (تهران: نشر نو، ۱۳۷۹)، ص ۶۴۱.

65- <http://mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=504896>.

۶۶- بهناز اسدی‌کیا، «آیا خزر قربانی نفت خود می‌شود؟» *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال هفتم، شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۷۷)، ص ۳۶.

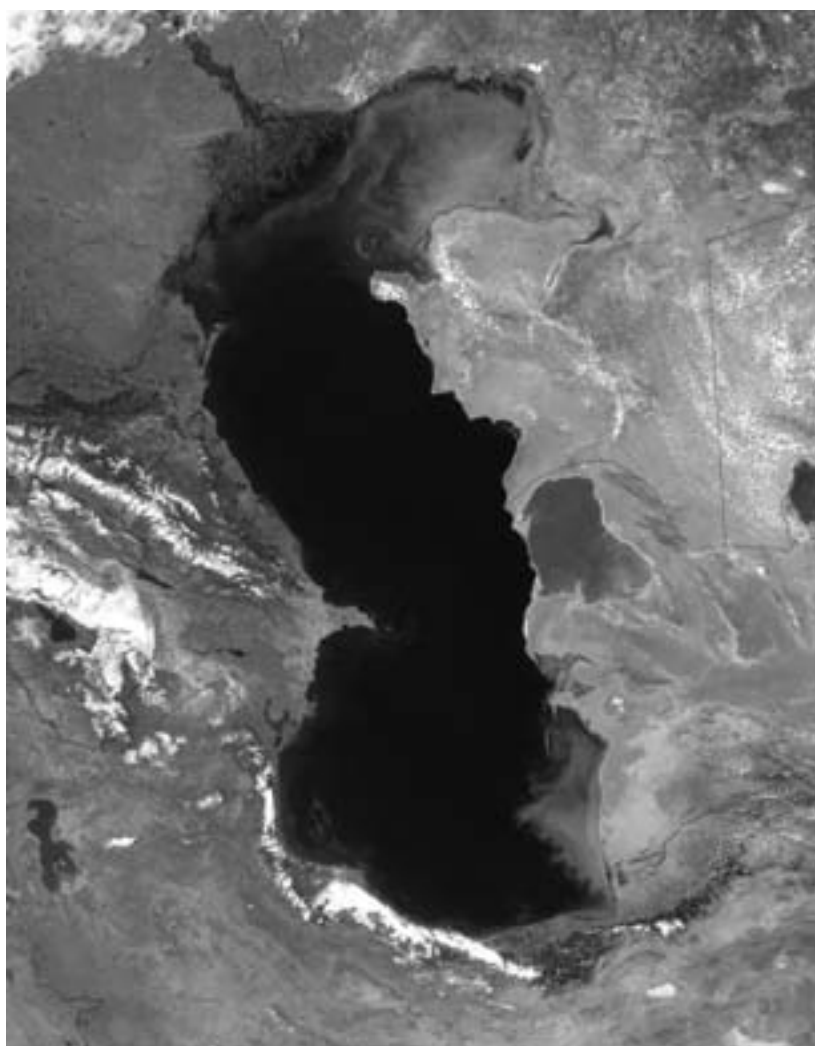
67- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=347560>.

68- <http://www.solh.nu/showarticle.asp?adressID=396>.

69- <http://www.dw-world.de/popups/>

79 -<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=860223004>.

80 -<http://geocities.com/hoghughdanan/Caspian-sea.htm>.



تصویر ماهواره‌ای از دریای خزر